

در حاشیه اعلام برنامه فعالیت‌های منصور اسانلو در خارج کشور

از: سعید صالحی نیا

salehinia@aol.com

۴ مارس ۲۰۱۳

منصور اسانلوی گرامی!

من یک فعال کمونیست کارگری هستم و نزدیک به ۱۶ سال است که در خارج از ایران زندگی می‌کنم. سرنوشت منم شبیه توست و بسیاری از مبارزان راه آزادی. منم مثل شما دورانی سخت را در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی که نماینده اسلام سیاسی و نظام سرمایه داریست طی کردم و نقطه ای رسید که مثل شما دیگر امکان ماندن برایم میسر نبود. سرنوشت ما و چند نسل از مبارزان راه آزادی بسیار شبیه هم است هر چند از جایگاه‌های مختلفی شروع می‌کنیم یا مشترکا سر از زندانها و شکنجه گاهها و میدین اعدام در می‌آوریم یا بالاخره "قانونی یا غیر قانونی" از مرزها می‌گذریم و در خارج کشور زندگی سخت و دشوار در تبعید را شروع می‌کنیم.

منصور گرامی

من اولین مصاحبه شما را در خارج کشور دیدم (۱). هم بسیار خوشحال شدم و هم نکاتی به ذهنم رسید که با شما در میان بگذارم. امیدوارم این نامه سرگشاده که در چند سایت اینترنتی منتشر می‌کنم بدست شما هم برسد و هر موقع هم خواستی با من تماس بگیر تا بیشتر با هم تبادل نظر و تجربه کنیم. هدف دیگر من اینست که این نامه خوانندگان دیگر را هم درگیر کند و امید دارم همه این ارتباطها کمکی بشود برای پیروزی هدف مشترک ما یعنی آزادی و برابری در ایران و همه دنیا!

(۱) داستان کشیده شدن مبارزه شما به خارج کشور و افق پیش رویتان

منصور گرامی

من سالهاست که فعالیت‌های شما را دنبال می‌کنم از همان زمان که در سندیکای شرکت واحد بقول خودتان نخواستید سیاسی باشید و فقط خواستید بطور صنفی خواستهای اولیه کارگران شرکت واحد را به گوش جامعه برسانید و زندگی کارگران این واحد خدماتی را بهتر ببینید. همانطور که شما در تجربه متوجه شدید رژیم اسلامی نگذاشت شما غیر سیاسی بمانید. بارها به زندانتان انداختند و شکنجه و تهدید کردند تا دم مرگ رفته اید و برگشته اید و طبعاً بیشتر متوجه شدید که در ایران صحبت کردن از کار "سندیکائی غیر سیاسی" ممکن نیست. نظام دیکتاتوری در ایران به کارگر اجازه نمی‌دهد فعالیت صنفی داشته باشد چون سهم کارگر فروختن کار ارزانست و جایی برای آزادی فعالیت کارگر نمی‌ماند. زمان طولانی گذشت تا شما بالاخره به این نتیجه رسیدی که حتی سندیکای شرکت واحد هم به تنهایی کاری از پیش نمی‌برد و همانطور که در مصاحبه ات هم گفتی تلاش کردی که سایر تشکلهای کارگری را هم سازمان دهی تا رسیدی به نقطه ای که همین هم نشد و جانیت به خطر افتاد و سرانجام خودت را به خارج کشور رساندی.

حالا می‌گویند شما را این جناب امیر حسین جهانشاهی، "به خدمت گرفته" و مدعی شده شما "مسئول سازماندهی کارگری برای جنبش سبز" شده‌ای! اینجاست نکته ای که من دارم و می‌خواهم ازت بخواهم حواست جمع باشد پوست موز این خلاق زیر پایت نگذارند!

(۲) در باره تو چه گفتند و حقیقت چیست؟

اطلاعه ای بنام همکارانت در سندیکای شرکت واحد منتشر شد مبنی بر اخراجت از سندیکا و توصیه به سازمانهای کارگری جهانی که تحویلت نگیرند! من همانموقع نوشتم که بوی گندی از این اطلاعیه به مشامم می‌رسد. (۲) نوشتم که نمی‌پذیرم تو را که سمبل مبارزات معاصر کارگری ایران هستی اینطوری به گند بکشند و تازه به دنیا اعلام کنند که اسانلو چون از ایران رفت که جانش را حفظ کند،

دیگر نماینده کارگر شرکت واحد نیست! نپذیرفتم اون مهملی که اینها گفتند و من اصلا شک دارم که این اطلاعیه از زیر قران همانها که می خواستند در تهران "دوباره خدمت برسند و بخاراندند" نباشد! اینرا به صراحت نوشتم که کارگر جماعت با همکارش اینجوری تا نمی کند. اما ماجرا اونجا تمام نشد و از یکطرف توی ایران اطلاعاتیها تو را به "انحرافات اخلاقی" متهم کردند و از اینطرف این روزها عده ای تو را متهم می کنند که می خواهی لخ والسای ایران شوی! اون یکی رضا رخشان(۲) که تو را بازنده نامیده در حالیکه دردش از اینست که به جمع سرنگونی طلبان رژیمش پیوسته ای! اون دیگرها که نقاب چپ زده اند این خبر پیوستن تو را به جنبش سبز علامت نهانی انحراف تو و خیانت تو دانسته اند!

من اما به اینها کاری ندارم! خوب به حرفهای خودت گوش کرده ام و می دانم توی دنیای دیگری هستی! فهمیده ای کارگر کیست و فهمیده ای که چیزی هست بنام دنیای بهتر و زندگی انسانی. اینها را هم فهمیده ای و هم به همکارانت و جامعه اموخته ای. من از تو درس مقاومت گرفته ام. فکر نمی کنم اهل اینها باشی که زور می زنند تا خودشانرا با تو تداعی کنند. نمی توانم بپذیرم که منصور اسانلو اینهمه از زندگیش گذشته تا بشود ملعبه دست سرمایه دارانی که خودشانرا زیر زورق سبز پیچیده اند و قرار دارند به کمک نظام سرمایه جهانی خودشانرا به انقلاب مردم ایران زورچپون کنند! نمی توانم بپذیرم که منصور اسانلو سرانجامش بشود لخ والسانی که او هم یک کارگر شریفی بود که موز زیر پایش گذاشتند و بدجوری خودش و طبقه کارگر لهستانرا به نظام بربریت سرمایه فروخت! (۳) رهبر کارگری صنفی و سیاست منصور عزیزم:

این معضل کار صنفی و ارتباطش با سیاست بواقع دعوای مهمتری را نمایندگی می کند. وقتی تو گفتی که می خواهی فقط کار صنفی کنی معنیش این بود که نمی پذیری کارگر با همان تعریف درستی که در مصاحبه ات کردی حق دارد بالخره حکومت هم بکند! چرا نمی پذیری که نوبتی هم باشد نوبت کارگر است که حکومت کند؟ چرا باید دیگران، آخوندها و بازاریها و مفتخورهای سرمایه دار حاکمیت کنند و وقتی نوبت من و تو برسد، ما باید "صنفی" بمانیم؟ شاید خودت را سانسور می کردی وقتی توی ایران مرتب این "صنفی بودن" را تکرار می کردی اما حالا؟ توی دنیایی که می شود ادم حرف اخرش را بزند چی؟ به من و همکارانت چگونه می خواهی بقبولانی که ما عرضه حکومت کردن نداریم و حداکثرش اینست که برویم سندیکا بزنیم و دنبال یک قران بیشتر همیشه بجنگیم؟ این نکته مرکزی است که حالا که در خارج وقت بیشتر داری باید خوب تکلیفت را باهات روشن کنی! وقتی قبول کردی که کارگر محق است حکومت کند و از قضا اگر حکومت کند جامعه ازادیش و برابریش تامین و تضمین است، اون موقع منصور اسانلویی شدی که جلو آمده. نه فقط از خودش بلکه از چند نسل همقطارش از همانموقع ها که سندیکای صنعت چاپ را ساختند تا شورای متحده مرکزی و شرکت نفتیها که پدربت درش فعال بود تا همین الان که چشم همه اونها که مرده اند و زنده، به توست و ما همه قبول نکرده ایم که تو را به "خدمت حامیان سرمایه" ببرند و اجیر "سبزها شوی"!

تکلیفت را سعی کن درست معلوم کنی و نگذاری که این پوست موزی که زیر پایت گذاشته اند تو را و ما را سرنگون کند که خسته شده ایم از امید بستنها و ناامید شدنها و دیگر راضی نمی شویم که رهبرانمان را به دادگاه بکشانند و خوردشان کنند!

(۴) تعیین تکلیف با طبقه کارگر، دو راهی مهم سرنوشت تو منصور عزیزم:

وقتی که اون دیگران تلاش کردند بگویند که رهبر کارگری وقتی از ایران رفت دیگر رهبر نیست، همانموقع نوشتم که این مهمل است! کارگر جماعت رهبرش را با بیرون رفتن از مرزها رها نمی کند. تو همچنان باید خودت را رهبر کارگران ایران بدانی که شایسته اش هستی. من نوشتم که هیچکس حق ندارد به گذشته پرافتخار تو خط قرمز بکشد. اما خودت می توانی! این خودت هستی که

اینجا تصمیم می گیری که در آینده از تو به چه یاد کنند!
نگذار این فریب سبزه ها که توی جامعه مدنی خیالیشان کارگر جماعت هنوز "جیره خوار صاحبکار است" و حداکثرش باید ناله و فغانش را به طریق قانونی به گوش ارباب برساند، بشود رویای تو!
رویایت را وسیعتر کن و برای آقای و سروری طبقه کارگر مبارزه کن. طبقه کارگر یعنی اکثریت مطلق جامعه و مدنیته که حاکمیتش بیار خواهد آورد تضمین کننده سعادت همه جامعه است.
دو راهی جلوی تو همینست که ایا می پذیری که نماینده جنبش رهائی جامعه از سرمایه داری بشوی یا آنکه به نوکری سرمایه داران در لباس سبز دل خوش کنی?
منصور جان!

ما را از خودت نا امید نکن! این داستان پرشکوه مقاومت را در دلمان نشکن! بگذار ما سربلند بمانیم و بگوئیم که رهبر کارگری تا آخرش رفت و وسط راه زمین نخورد و فریبش ندادند! ما با ایستادن تو آرزوهایمان را متحقق می بینیم!
جای تو در کنار ما کمونیستهای کارگریست. در کنار جنبشی است که پایان دوران ستم سرمایه، آزادی و برابری را امری فوری می دانند. خوشحالم زنده ماندی و صورت پر امید و چشمهای پرفروخت نگذاشت که غبار این مهملها و این هرزه های سیاسی و خود فروخته ها و نوکران و ارادل رژیم ، یک لحظه هم که شده امید ما را نا امید کند.
با ما و طبقه کارگر بمان. کمکمان کن که حکومت کارگری بسازیم. توانش را داریم باور کن!
اما کارهای زیادیت که باید کرد و قله های زیادیت که باید فتح کرد!
از راه دور می بوسمت!
سعید صالحی نیا

منابع دیگر:

(۱) لینک اولین مصاحبه خارج کشوری اسانلو

http://www.youtube.com/watch?feature=player_embedded&v=nTsJvXUxbT0&noredirect=1

(۲) برخی اظهار نظرها در مورد اسانلو:

سعید صالحی نیا: چه کسی می خواهد من و تو ما نشویم؟ خانه اش ویران باد! در حاشیه حکم مشکوک "اخراج منصور اسانلو" از سندیکای شرکت واحد

<http://www.azadi-b.com/arshiw/?p=38954>

محمد آسنگران: آقای رضا رخشان! دفاع از احمدی نژاد و دفاع از موج سبز هر دو ضد کارگری است

http://www.azadi-b.com/J/2013/03/post_455.html

نادر بکتاش: سندیکای شرکت واحد و اسانلو، ملغمه سیاست و سندیکا و دلدادگی و اخلاق

http://www.azadi-b.com/G/2013/03/post_511.html

رضا رخشان: آقای اسانلو تو باختی

http://www.azadi-b.com/J/2013/03/post_441.html

محمود قزوینی: اسانلو "فعال کارگری" خاندان جهانشاهی از آب درآمد!

http://www.azadi-b.com/G/2013/03/post_506.html

اسانلو به صف دشمنان پیوست! (محمد اشرفی)

http://www.azadi-b.com/G/2013/03/post_510.html

(۳) موج سبز: امیر حسین جهانشاهی

<http://organization.greenwavenews.com/journal/tag/جهانشاهی/page/6>

(۴) سعید صالحی نیا: پاسخی محترمانه به رضا رخشان

<http://www.azadi-b.com/arshiw/?p=26723>

Raha TV | Shabnameh (28 Feb 13)

www.youtube.com

شبنامه ویژه- گفتگو با منصور اسانلو بنیانگذار سندیکای شرکت واحد